

نگاهی به هنرخطاطی

امربهائی و آثارمشکین قلم

مهندس سعید معتمد

مقدمه

برای فهم و درک بیشتر مراتب زیبایی و کمال در هنر خوشنویسی جناب مشکین قلم نیاز بدان داریم که قدری بشرح گذشته و حال این رشته از هنر پردازیم و از ابتدا و مراتب رشد آن بیشتر خبر بگیریم و دروادی های مختلف آن بسیر و سیاحت پردازیم ، و آنرا بمنزله شجره عظیمی تصور کنیم که ریشه در گذشته دارد و در طول زمان صاحب هزار شاخ و برگ و ثمره گردیده است . حال میوه ثمین و رنگین بر آن افزوده شده که بجاست طالب آن گشته و همت را بدست یابی آن متوجه نمائیم .

بشروعی است اجتماعی و پس از گذراندن مراحل طولانی برای انتقال مفاهیم ذهنی خود به خانواده و همسایگان مجبوره ایجاد کلام و لسان گردید که تاریخ آن بسیار دور و دراز است و بمثل رشد یک نوزاد از مرحله ای بمرحله دیگر میباید . انسان نخست به ادای کلمات پرداخت و بعد جمله ترتیب داد و با ایجاد حرف و لغات و صرف آن برای بیان گذشته و حال و آینده موفق گردید . ولی برای زمانهای دراز کل آن چه گفته می شد فقط در صدر و سینه محفوظ ماند تا احتیاج شدید حاصل شد که به ثبت گفتار و قول و قرار پردازد . بشر در بخشی از عالم کهن یعنی در خاور میانه در ابتدای کار تصاویر مختصر اشیاء را به کمک گرفت و در این راه جلورفت تا به ایجاد خط تصویری توفیق یافت . بهترین نمونه آن در مصر پیدا شد و معمول دربار و دستگاه حکومت گردید . این نوع خط در سایه دگرگونیهای زمان متروک شد و قریب دو هزار سال مدفون و ناشناخته ماند تا که در قرون جدید کشف شد و بتدریج بر موز آن پی بردند و امروز کاملاً قابل خواندن بوده و به لسانهای زنده ترجمه شده است . این خطوط تصویری که در نوشتن کتیبه ها ، در قیور و قصور و طومارهای مذهبی و اداری مورد استفاده واقع می شده دارای جلوه و زیبایی مخصوصی بوده است .

تاریخچه خط در ایران

در ایران خط مراحل مختلفی را پیموده است . در ابتدا آنچه اطلاع ما از طریق حفاری ها اجازه می دهد «خط نشانه» بوجود آمده مثلاً برای خورشید نشانه کوتاه شبیه آفتاب و برای خانه علامتی مختصر نظیر منزل



جناب مشکین قلم
۱۳۳۰ - ۱۲۴۱ هـ . ق
۱۹۱۲ - ۱۸۲۶ م

و مسکن ساخته انتخاب شده بود که قراری بین نویسنده و خواننده و تفاهم ساده و بدون اشتباه بود. این خط بدوی و خالی از هر هنر و زیبایی بوده است. و بعلمت آنکه نتوانست کلیه مفاهیم را منتقل کند و وسیله ترتیب اسناد شود، بیاری امر تجارت و بعداً بکمک اهل ذکاوت و فهم و دقت، «خط الفبائی» را بصورت میخی از همسایگان در بین النهرین پذیرفتند که کار را ساده کرد. این مرحله در هزاره دوم قبل از میلاد حضرت مسیح واقع شد. با ایجاد سلطنت های عظیم و وسیع در ایران چون مادها و هخامنشیان، نیاز شدید به دستگاه بسیار گسترده اداری و حکومتی و مالی و نظامی پیش آمد که وجود خط جامع تری را ایجاب میکرد، نتیجه آن پیدایش کاملترین و ساده ترین نوع خط میخی بود. بخصوص برای ترتیب اسناد آن هارابه روی گل نوشته و بعداً گل را پخته، و یا برای ذکر تاریخ ایجاد بناهایی چون کاخ ها و آتشکده ها خط را بر روی صفحات طلا و یاقوت حک نموده، و یا بر روی سنگهای پرداخته کنده که به کتیبه مشهورند، و جمیع از حیث نظم و زیبایی و وقار و کمال بی نظیرند. در این قرون بود که خطوط نه تنها قدرت معنوی کامل یافتند و به ادای جمیع معانی پرداختند بلکه بصورت ظاهر هم بعنوان خط خوش مرتب یعنی بردیف در کنار هم در نواری محدود و زیننده و متناسب جای گرفتند و بمعنای دیگر خوشنویسی و یا حسن خط متولد شد. خطوط صاحب تناسب، هم آهنگی و قوت و زیبایی شدند و وقار و استحکام آن امروز هم جلب نظر و احترام هر بیننده و رزیده رامی نماید.

تأثیر حمله اسکندر بر خط ایران و تحولات بعدی خط

با آمدن اسکندر به ایران (سال ۳۳۰ ق. م.) این عظمت جهانگیریکبار تغییر میسر داد. حتی خط میخی ایرانی متروک و بجای آن خط یونانی متداول شد، که خطی است از بازمانده های خط فنیقی که در شرق دریای روم پیداشده و رشد و گستردهگی بسیار کرده بود و سبب تسهیل جمیع امور بخصوص امر بازرگانی فنیقیان در باوند در اوائل هزاره اول قبل از میلاد شد. زیبایی ظاهری آن خط چندان چشمگیر نیست تعادل و توازن و بقول دیگر موسیقی خط در آن باوج نرسیده ولی در ایران با لاجبار در دوران سلوکیه ها و اشکانیان معمول این دوران بود. آثارش در معابد و کاخها باز یافته می شود و مسکوکات رایج این دوره تأیید مطالب مذکوره رامی نماید. تا اینکه ساسانیان وارث تاج کیان شدند. نوشته های این دوره چه در کتیبه ها چه در کتاب نوشته ها، آن استحکام و کمال حروف رومیان و خطوط اسلامی ایران را ندارد. ولی رفع حوائج آن دوره رابه تمام می کرده است. این خط به خط پهلوی مشهور شد که از نواده های خط آرامی است.

تغییر بسیار عمیق که در دوره خط تصویری و نشانه ای پیداشد، اختراع حروف و ترکیب آنها برای ترتیب کلمه بود. بهترین نمونه آن در خط لاتین است. در این مورد قواعد محکمه خوش نویسی پیداشد و رشد کرد تا تکمیل گردد. بهترین نمونه آن در کتیبه های شهر رم مرکز سلطنت و حکومت جهانگیر روم هاست که حکایت از یک نظم دقیق هندسی و ریاضی و هم آهنگی با معماری مینماید.

دراواخر دوره اشکانیان و در مقام دوره ساسانیان، ایرانیان مبارز و رقیب سرسخت رومیان بودند که قدرت و بالنتیجه ثروت و مکننت ثمره مخصوص رخوت بیار آورد. در این دوره امر قابل توجه، زیبانویسی و ترتیب کتب مذهبی بود بخصوص در مکتب مذهب مانوی که تأثیرات آن در دوره های بعدی ایران اسلامی محسوس و نمایان است. بطور کلی امر زیباسازی بر زیبانویسی ترجیح یافت.

خط ایران بعد از حمله اعراب و نگاهی به خط کوفی

با ورود فاتحین عرب که بمثل سیل کوهستان وارد فلات ایران شدند و حامل قدرت و قوت عجیب روحانی بودند، ایران تسلیم شد و در مدت کوتاه با قبول اسلام رابطه فرهنگی ایرانیان با گذشته بریده شد و بی پناه و درمانده شدند. تغییرات سریع و عمیق در ایران بوجود آمد. از جمله خط پهلوی معمول ساسانیان متروک و بجای آن خط کوفی متداول گردید. خط کوفی یکی از شاخه های خط سریانی است که معمول بین النهرین بود. تا که یکی از فضلالی قریش بنام حرب ابن امیه ابن عبدالشمس از مکه به کوفه رفت (مشهور بحیره) و زمانی دراز در آنجا ماند تا این خط را موخت و یا ستادی رسید. و بجزیره العرب بازگشت و در مکه مکتبی فراهم

آورده و از جمله محصلین خط ، ابوطالب عم پیغمبر (ص) پدر حضرت علی علیه السلام بود که در این رشته پخته گردید و مشهور گشت . بعداً کتاب نامداری چون حضرت علی (ع) و عمر بن خطاب و عثمان در این دیار علمدار شدند . خط کوفی از نظر زیباشناسی دارای استحکام عجیبی است که در نهایت درجه اطمینان حروف و کلمات در کنار هم قرار گرفته و با حرکات متین و محکم خود دورنگای حصار شهر عظیمی را بیاد میآورد که با برج و بارو و دیوار و دروازه خود در عین غرور پایداری خود را آشکار می کند . خط زیر آنهادریک تراز و بر روی آن حروف مسطح و درین آنها حروف مرتفع چون الف و لام بنا شده که بسیار هم آهنگ و دلپذیر و متجانس و چشمگیر است و از علاقه شدید روحانی و بخصوص عرفانی حکایت میکند بخصوص توجه بسیار باصول مقدس و متعالی یک دین الهی را در خود مجسم مینماید و این خط اکثراً برای نوشتن صحیفه کریمه قرآن مجید، قرارداد های مهم و کتیبه های مساجد و مقابر و قصور کار میرفته است . از خط کوفی اوائل اسلام نمونه های خیلی کمی دیده شده . درابتداء کوفی مایل معمول بود و کوفی حجازی به موازات آن وجود داشت تا که به تدریج به کوفی مستقیم تبدیل شد .

مالك شمال آفریقا در این مرحله پیش قدم بودند .
تحولات خوشنویسی و خوشنویسان مشهور

سهم ایرانیان در اختراع خطوط نوع دیگر که در سایه خط کوفی بوجود آمدند بسیار مهم و قابل توجه است . از جمله ایشان اسحق سگزی اهل سیستان بود . که در دوره مأمون عباسی سمت عالی داشت و صاحب تألیف و رساله جامعی در خط بود . و دیگری فضل بن سهل ایرانی وزیر مأمون که مشوق و حامی این امر بود تا بدان درجه که در دوره او سی و هفت خط اختراع شد و معمول دربار گردید . اما سرآمد خوشنویسان ابوعلی محمد مشهور به ابن مقله بیضائی شیرازی است که از نوایغ دنیای دانائی و خوش نویسی محسوب است وی بسال ۲۷۲ هـ . ق از پدری ایرانی اهل بیضاء شیراز متولد شد به همت او بود که خط کوفی بعلمت دشواری در تحریر و تألیف و تعلیم جای خود را ب خطوط جدیدی داد . وی درابتداء تصحیحات بسیار در فن خط نویسی وارد نمود و بعداً قواعد متینی برای خوشنویسی پیشنهاد کرد . در دوران حیات خود ابتدا خط مُحقق و سپس خط ثلث و بالاخره نسخ را اختراع نمود و به کمال رسانید و قواعد و قوانین هر یک را کشف و ابلاغ نمود . در دربار عباسیان در بغداد صاحب مناصب عالیّه گردید . سرانجام ناکام کشته شد و بدین جهت بوزیر شهید معروف شد (۳۲۸ هـ . ق) . از جمله خدمات او ایجاد وحدت خط در جمیع ممالک اسلامی بود که به کمک خلیفه عباسی معمول و مجری گردید .

اما در قرن پنجم از مشاهیر کتابت ابوالحسن ابن بواب بود مشهور به قیلة الکتاب ، که نهایت همت نمود که خطوط اختراعی ابن مقله با توجه به پاکی و پرهیزکاری به نهایت صفا و بلوغ و پاکیزگی رسیدند ، او موفق به ایجاد قواعد نهائی برای خوشنویسی و قبول اصول تناسب کامل و کافی بین سطح و دور و حرف و نقطه گردید که بنام قواعد دوازده گانه خط مشهورند .

اما مبادا از ذکر نسوان در این میدان غافل بمانیم . بانوئی چون زینب شهده خراسانی (قرن ۶ هـ . ق) سرآمد اقران شد و معلّمه نابغه مشهور یاقوت مستعصمی بود . بعدها هم بانوی دیگری بنام گوهر شاد خانم دختر میر عماد قزوینی است که شهرة آفاق گردید .

خوشنویسی چون یاقوت مستعصمی در استحکام و کمال خطوط موجود تأثیری بی اندازه نمود و قرآن ها و مرقعات بسیار نوشت که جمیع از شاهکارها محسوب می شود . مقارن آخرین خلیفه عباسی المستعصم بالله بود که به هنگام هجوم مغولان در سایه هنری ماندش جان سالم بدر برد و عمری طولانی کرد . از جمله شاگردان یاقوت ، شیخ شهاب الدین سهروردی است که از مشاهیر عرفای عالم اسلام است ، او خط نسخ جلی را به اوج رسانید و در مدت عمر خود ۳۲ قرآن نوشت که در نهایت نفاست و ظرافت و طهارت است . (قرن هشتم هـ . دوره تیسری) اما در میان خطاطان هیچ فردی بشهرت میر نرسیده . نامش میر عماد حسنی قزوینی و هم دوره شاه عباس کبیر (قرن ۱۱ هجری) و صاحب مقامی رفیع بود . خط نستعلیق او بی نظیر است . شاید یکی از پیش کسوتان و راهنمایان جناب مشکین قلم هم ایشان باشد چه که اشاره لطیفه « میر عماد ثانی » در آثار حضرت عبدالیهاء

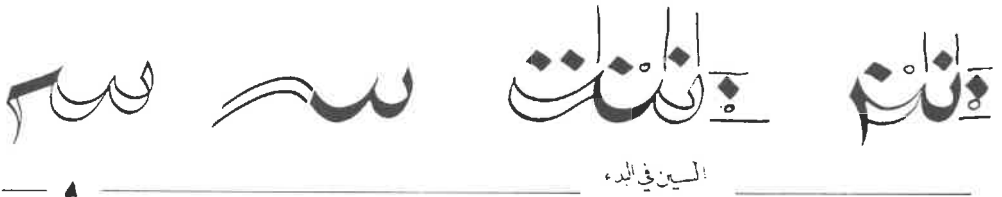
𐎠𐎫𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠
dNabu - ku - du - úr - ri - ušur šar Babili

𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠 𐎫𐎷𐎡𐎹 𐎠𐎢𐎧𐎺𐎠
za - ni - in É - sag - íl ù É - zi - da

نمونه خط میخی دوره بابل .

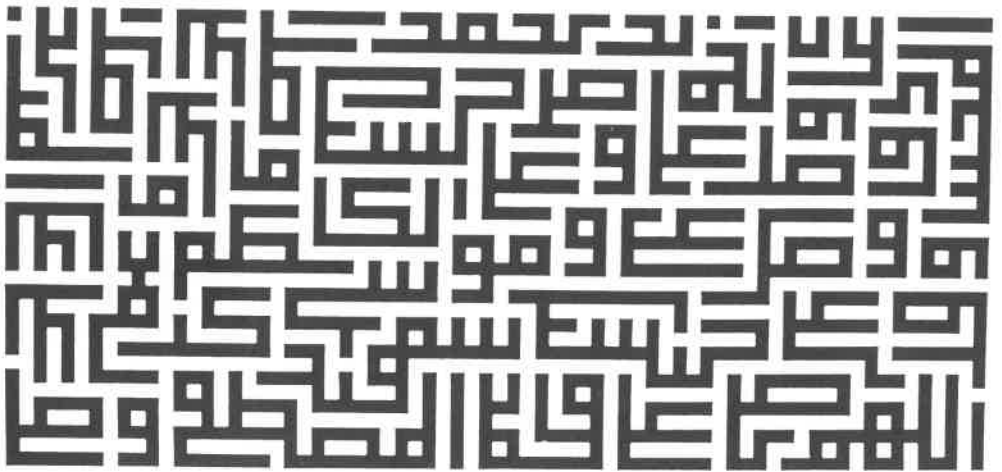


باء، پ، ت، ث الفاء التي هي جزء من الباء



سین فی البدء

رابطه حروف بانقطه در خط ثلث.



دیوار باخط کوفی تزئین شده . اصفهان ۷۰۳ هـ . ق .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

NEKHI
نسخی

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

THOULHI
ثلاثي

NEKHI MODERNE
نسخی حدیث

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

ROQA
رقعة

DIWANI
ديواني

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

FARSI
فارسي

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

KOUFI ANCIEN
كوفي قديم

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

IJAZA
اجازة

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

MAGHREBI
مغربي

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

JELI DIWANI
جلي ديواني

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

KOUFI
كوفي

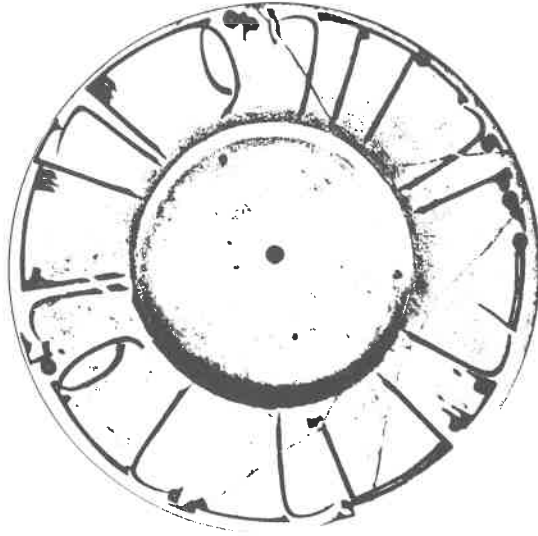
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

KOUFI MODERNE
كوفي حدیث

يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً
يُولدُ النَّاسُ أَحْرَارًا سَوَاسِيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« بسم الله » به شکل مسلسل - خط استاد ترك قره حصارى ۸۷۰ هـ. ق.



بشقاب سفالی با تزئین خط کوفی



یا مظهرالعجائب ... به شکل شیر



خط نستعلیق . اثر میرعماد الحسنی . قرن ۱۷ هـ . ق



خط شکسته اثر درویش عبدالجید طالقانی ۱۱۸۱ هـ . ق

نستعلیق

اقاب حقیقی کلمه الهیست که بر تابلو دیار

شکسته نستعلیق

سایه محراب زینت بر رخسار کعبه است
چلی فرمود حکمت ظاهر شد و همچنین در مرایای آفتاب آمد

نسخ

رقاع شکسته

سفری از راه صامت بر سر راهی که در راه است
فاز از ظاهر و اینان از شمس کلمه زانیه موجود و اسمائیه

نسخ

شکسته

ظاهرها را باطنها را و اینها کلماتی بود و چون

ثلث

شکسته نستعلیق

شبیخ در سوز و دل در ذکر معلوم نه که سبب این چه و علت آن

نسخ

رقاع شکسته

مهری در بر کف دست و عشق و سوز و آتش و کمال در کمال
حبابی در عیاشی در آنجا نموده بود که حقیقت ایشان که از جوارح بر کرده

نسخ

شکسته

و بصر روحانی علت نامرئی و بستان

نستعلیق

شش نوع خط که جناب مشکین قلم با استادی نوشته اند

هم حکایت از قدرت مشکین قلم میکنند وهم معرفت اخذ روح کارهای میراست . بدین مفهوم که استاد مسلم میرعماد و عروج به مرتبه بالاتر غیر قابل تصور است . امپراطور مغول جهانگیر مشهور درباره میرعماد گفته : «اگر شاه عباس این هنرمندی مانند را به دربار ما بفرستد ، معادل وزن او مروارید سلطان هدیه ایشان می فرستم .» از میر خط درشت نستعلیق فقط چند قطعه در مراقد باقی مانده ولی از خط ریز نستعلیق او کتب و قطعات متعدده موجود است . هم دوره ور قیب میرعماد علی رضای عباسی است که شاهکار خط ثلث این نایفه زمان در مساجد اصفهان و خراسان و مراقد متبرکه موجود است و گویا که با وج بی انتهائی اصل شده (کتیبه زیر گنبد طلای حضرت امام رضا (ع) در مشهد و مسجد شیخ لطف الله در اصفهان)

در میان خوشنویسان اخیر ایران نام شفیع (اواخر دوره صفویه) مخترع خط شکسته مخصوص بسیار مشهور است و دیگری احمدنی ریزی است . وی صاحب شیوه ممتاز در خط نسخ بود که در آخردوره صفویه حیات داشت . این هنرمند قرآن هائی تحریر نموده که بخط طلا بود یا بخط مشکئی با تزئین ابرطلائی . گاهی هم جلد کتاب را خود می ساخته و تزئین با خط راروی جلد او معمول کرد . در کتاب خاطرات جناب مالیری ذکر مومن بزرگواری است که خواسته بود این استاد احمدنیری برای او قرآنی در عین نفاست تحریر کند که باز ماندگانش در موقع ظهور قائم (ع) بنام او تقدیم حضرتش نمایند که این نیت پاک تا بدانجا مجری شد که خواستند قرآن مذکور را بجناب مالیری تسلیم کنند تا به حضور حضرت قائم (ع) برسانند و این نشانه ای از مقام عظیم این خوشنویس بی نظیر بود .

اما حلقه خوشنویسان تادوره مبارک ظهور حضرت رب اعلی در ایران بدون ذکر اسم «درویش» بسته نخواهد شد . نامش عبدالمجید طالقانی که هنوز همه جاورد زبانهاست ، چه که بزرگترین خوشنویس سبک شکسته بود . در دوره کریمخان در عین جوانی از این عالم رفت . این هنرمندیکی از نوابغی است که شاید مستقیماً جناب مشکین قلم را دلیل راه شده که در نتیجه جناب ایشان بخلق و ایجاد نوشته هائی به سبک شکسته پرداخته چون «مثنوی مبارک» که رونویسی و خوشنویسی کرد وهمه را مات و متحیر نموده که بچه روانی و آرامی این همه جنبش و جوشش را بر روی صفحه کاغذ ثبت ابدی نموده است .

از دوره صفوی و قاجاری قرآنهاي متعدده - فرامین سلطانی - کتب حکماء و دیوان شعراء - دائرة المعارف علمی و طبئی و قطعات بسیار و کتاب دعاها و بیاض ها و طومارها میراث رسیده که همه خوش خط ولی شاهکار دوران درین آنها کمتر مشهود و محسوس است مگر عده ای محدود و معدود .

نگاهی به وسائل خوشنویسی

اکنون توجهی کوتاه بوسائل خوشنویسی باید کرد . در دوران خط میخی معمولاً قلم چوب گردسختی بود که سر آن را بصورت سه گوش تند گوشه بریده و بر روی لوحه گلی فشرده و با تغییر طول و جهات این اثر میخ مانند را بهم ترکیب می کردند تا نشانه حروف ظاهر گردد و بالاخره بنوشتن کلمات موفق میشدند و مضمون بصورت مکتوب در میآمد . بعداً این لوحه گلی به آتش میرفت و پخته و محکم و قابل نگهداری میشد . در این دوره مرسوم بود که رونوشتی از هر لوحه تهیه می شد که در دارالانوار حاکمان آن زمان محفوظ می ماند ، و امروز در حفاریها به کشف آنها و بهره مندی از مطالب آنها نائل می گردیم .

بعد از آن اختراع یونانیان و رومیان قابل توجه است . دو تخته چوب مستطیل با اندازه کف دست بطور مسطح در داخل گود شده را با موم پوشانده و این دو تخته را در دو پایه نقطه با حلقه لولائی بهم وصل میکردند . برای تحریر قلم شبیه به سیخ بلند از نقره یا مفرغ داشتند که حروف و خطوط راروی این سطح موم میخراشیدند و چون بعداً مضمون منظور روی پوست منتقل میگردد این سطح موم را به کمک آفتاب نرم کرده و مسطح نموده آماده و قابل استفاده برای نوشته تازه میکردند . در مرقدم و دوره بعدی از تنه پایپروس (محصول گیاهی) کاغذ ساخته با کمک قلم نی و مرکب بر روی آن می نوشتند . و این امر در خاور میانه معمول بود و تهیه کاغذ از پایپروس به تدریج آسانتر و ساده تر میشد . گاهی هم با قلم مو خط را مینوشتند که شباهت به نقاشی خط داشت .

رسم نوشتن کتاب بر روی پوست حیوان رامدیون شرقیان هستیم که در قرون وسطی در اروپا معمول شد ، و آثار بسیار از این دوره بیادگار مانده است . مشهورترین کاغذهای دوره اسلام خان بالغ است که گویا محصول چین بوده و از جاده یاره ابریشم بفریب می آمده . نوع جدید مشهوری عادل شاهی و معمول دوره تیموریان است . در قرون وسطی صنعت کاغذسازی تمام کاردست بوده و محصول آن بسیار محدود و در چین و ژاپن معمول بود . ولی محصول ماشینی توسعه عظیم یافت و نوع مرغوبتر از ژاپن و نوع معمول تراژ آلمان می آمده که دارای سطحی صاف با قشری از گچ و آهار بودند . کاغذهای قرن نوزدهم میلادی اکثراً به کمک اسید ساخته شده که بتدریج کاغذ را می پوشاند و اینست که حفظ آن در دارالآثار کاربرزحمتی است . نام « کاغذ ترمه » از زیاد شنیده ایم نوع کاغذی است که معمول ایران در دوره حضرت ربّ اعلی بوده . لطیف و به قطع کوچک و تحریر خط ریز بر روی آن سهل و آسان بوده است .

قلمدان محفظه ایست که برای نگهداری و حمل وسائل تحریر کار می رفته . در قلمدان ، قلم نی - قیچی باریک کاغذبری - دوات - قطع زن (قط زن هم گفته اند) قلمتراش فولادی و قاشق آب دوات کنی و قلم کش و خط کش و غیره جای میگیرند .

در کشور عثمانی قلمدان یا از نقره بوده یا مفرغ و ندرتاً فولادی و اکثراً دوات در بیرون به تنه قلمدان وصل می شده و گاهی دواته یکی برای مرکب مشکلی یکی برای جوهر قرمز بکار می رفته است . قلمدان در دوران پیش خیلی بزرگ و پر حجم و در آخرین قرن ظریف و باشکل زیبا و به ظاهر براق و جلا گردیده است . بالعکس قلمدان ایران در ابتدا بصورت قوطی چهار گوش (تابوتی) یا بفرم های باریکتر کشونی ساخته میشده که در دوسر نیمگرد است . در عین لطافت و اجدهتصاویر گل و بلبل و انسان و حیوان یادارای مناظر درباری و عشق بازی و یا نقش هندسی و یارزم یا بزم بوده که هر کدام نمونه ای کامل از هنر و سلیقه ایرانی در قرون اخیر است . این قلمدان ها معمولاً بین شال کمرو شکم به همراه نویسنده بوده است . در موقع تحریر ، تشکجه مناسب و نور کافی ، دوات پراز مرکب عالی ساخته و پرداخته استاد ، قلمهای تراشیده ، کاغذ مناسب مرغوب ، از واجبات محسوب می شده است . نور ، یانوروزبود یانوروشمع یا چراغ نفتی یاروغنی ، ولی خطاط میبایستی همیشه در صحنه قلم پردازی از روشنی کافی بدون سایه مزاحم بهره مناسب داشته باشد . قلم و مرکب را معمولاً خود خوشنویسان تهیه میکردند و هنرنویسنده برای تهیه آنها راهی مخصوص بخود داشت . اما قلم نی محصولی است طبیعی از نی خیزران که در سواحل رودخانه هادر محیط مردابی ببار میآید . پس از قطع آن و پاک کردن سطح از برگ در داخل خاکستراتش مرتباً تحت تأثیر گرمای مطلوب میدهند تا مقداری آب خود را از دست بدهد و سطح آن بصورت عنابی درآید که به کمک قلمتراش بطور مورب قطع می شود و یا فشار بر روی قطع زن شکل قابل استفاده برای تحریر پیدا میکند . در وسط این قطعه بریده بایستی به کمک قلمتراش یک یاد و یاسه قطع یابرش ایجاد کرد تا مرکب به آسانی در موقع تحریر و گردش قلم بر روی کاغذ منتقل گردد و حرف مصور پیدا شود .

مرکب که مشهورترین آن پراطوسی معروف است مزوجی است از دوده و صمغ و مازو و گاهی هم اضافاتی شبیه بعسل و شکر و حتی ربّ انار که رنگ قرمزی زیبا از آن حاصل میگردد . ولی گل رموز از مرکب سازان و یا خود محرران است . رقت و غلظت آنرا با کمی وزیادی آب مرتب می نمایند . برای تحریر خطوط درشت مشهور بجلی ، مرکب راقدری رقیقتر و برای خط ریز و خفی قدری غلیظتر ولی برای سریع نوشتن آب بیشتر مزوج میکنند تا قلم ریز هم روانتر در حرکت باشد .

گاهی خوشنویسان اصرار داشتند که در نوشته ایشان جمیع حرکات قلم آشکار و نمودار باشد (این امر در بسیاری از شاهکارهای جناب مشکین قلم محسوس و معلوم است) . چنین احساس میگردد که پس از شروع کلمه یا جمله با همان مرکب که در اول برداشته اند آنرا ادامه داده تا به اتمام برسد چه در غیر آن دوباره قلم به دوات بردن سبب وقفه و بریدگی و عدم پیوستگی می شده که در نظم خط تأثیر منفی داشته و علت نقص و شکستگی می شده است . اما شروع با مرکب پروده و به تدریج در موقع تحریر از مقدار آن کم می شده و بدین ترتیب جمیع

حالات و حرکات قلم بر روی کاغذ مرئی می شده که خود عالم مخصوصی دارد .
معماری خط

اما چند جمله راجع به معماری خط : اقلیدس میگوید: « خط عبارتست از مهندسی یا هندسه روحانی که توسط وسیله یا ابزاری بعالم ظهور وارد میگردد . » بدین معنی مهندسی است که صاحب نظم و ترتیب و قانون و انضباط و قرار و مقیاس است و روابط محکمه متینه دارد و مأخذ و مینا و مقیاس آن تابع میل نویسنده نیست بلکه تابع اصول محکمه و بالاتر از همه مفید برای عالم انسانی است . و اما این هندسه روحانی است یعنی ازدنیای عالیتری می آید بدین ترتیب که قوه و قدرت ناطقه انسان از عالم پنهان در این عالم امکان بصورت لسان و بیان ظاهری گردد و وسیله خط این ظهور و بروز برقرار و ماندگار میشود . یعنی هندسه ای است که سرچشمه آن در عالم روحانی است ، اثراتش توسط ابزار و اشخاص (وسایل تحریر و خوشنویسی) در عالم مشهود و ظاهرو آشکار میگردد . در این هندسه یا معماری اصول محکمه ای موجود است که بذکر مختصری از آن می پردازیم :

تعادل خط با صفحه یا سطح - تناسب بین خطوط در یک صفحه ، توازن یا تقسیم عادلانه سطرها در عین هم آهنگی در سطح ، فاصله پیشانی صفحه تالیه سطر اول ، حاشیه ها چه پائین چه بالا چه چپ و راست از مجموعه سطرها ، حرف اول یا کلام اول در جمله تازه ، رابطه عمیق نوع خط با متن کتاب (یا با مضمون روحانی کتاب) ، وجود جمال و کمال با هم ، خیال پردازی ، تعیین محل مناسب برای نقوش همراه چه در متن چه حاشیه ، توجه کامل با استقامت و استحکام خطوط و هم آنگی آنها با هم ، توجه دائمی به سطرها و صفحات و ترداد خطوط ، جادادن نقطه در محل مناسب بدون ایجاد زحمت برای خواندن صحیح جملات مگر در موقع استثنائی برای غلبه جنبه زیبایی (بطور مثال قطعات جناب مشکین قلم) و ترداد نقطه ها و حرفهای شبیه بهم که کار را بسیار زیباتر ولی خواندن خط را مشکل ترمی نماید .

بالاخره منظره عمومی صفحه یا سطح ، که گاهی حکم ساختمان عظیم می یابد ، گاهی شبیه سفینه میشود که اکثراً حظ بصر منظور نظر بوده ، و بالاتر از همه اجرای یک مفهوم روحانی است که چشم می بیند و به مغز می رساند و به عالم روح روانه میگردد و این است وظیفه خوشنویسان پایه تقارن آن اصل هنر در نزد معماران ایجاد مردی مفید و زیبا برای عالم انسان . اما با توجهی به زیباییهای کتب عتیقه شباهتی بین آنها و ورود به قصر و گلستان می یابیم . در ابتدا با تزیین مخصوص ، شبیه سردر کاخ جلوه دیگر یافته و ممتاز از بقیه شده بخصوص در عالم هنر اسلامی اوراق اوکیه هر کتاب مهم و جادین زیبایی سحر آسا است . بعد از ورود به این قصر ، هر صفحه یا گوشه و حاشیه ای ، یا با خط طلائی یا رنگی و یا تزیینی دل پسند تزیین گشته که اشاره به مقامات عالیه و والای روحانی آن نوشته هاست . حکم باغچه ای شاداب دارد به صورت ظاهر همیشه بهار است و در باطن حاوی لطیف ترین آثار روحانی نازله از عالم تجلای الهی است . دیوار این قصر و حصار اطراف آن جلد کتاب است که خود شاهکار دیگری است . در عین استحکام و پرازلطافت و ظرافت و گاهی رنگین و گاهی مطلقاً ولی در همه حال حافظ متن پر بها است .

خط ، هنر آسمانی

اما اشاره لطیفه درباره خط و هنر خطاطی شده و آنرا (هنر آسمانی) نامیده اند و بدین سبب است که توسط این هنر ممکن گردیده که کلمات الهی در این عالم باقی بمانند و موجب هدایت دائمی عالم انسانی گردند . ظهور کتب مقدسه همراه با ظهور مظاهر الهیه بوده ولی بقای ظاهری آن در این میان مدیون وجود خط و خطاطان بوده است . حال آنچه از تورات و انجیل و یا گاواگیتا - قرآن کریم و آثار متعدد حضرت رب اعلی و حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء داریم کل تحریری و تسویدی هستند . بعضی از خوشنویسان این هنر آسمانی را با اضافه کردن ابر طلائی یا برنگ دیگرین کلمات ، مجسم تر نموده اند . کلمات و حروف سوار بر ابرها در آسمان در حرکت اند و جریان و این ترداد بسیار لطیف و متین است .

از حضرت رسول اکرم صلوة الله علیه چند حدیث درباره خط روایت شده . از جمله « علیکم بحسن الخط » و یا « اخط نصف العلم » و این نشانه آشکارا همیت خط و تشویق مؤمنان باین امر مهم و لطیف و ظریف است . از حضرت ربّ اعلیٰ مذکور: « اذن داده نشده که احدی حرف بیان را بنویسد الا با حسن خط ... » . سلطان علی مولانا از خوشنویسان مشهور ایران در قرن دهم هم دوره سلطان حسین بایقرا اشاره لطیفه دارد « صفای خط از صفای دل است » معلوم است که مردی خداشناس و عارف بوده است . او میگوید خط خوش این مراتب را دربردارد : ۱ - رقت طبع ۲ - وقوف بر خط ۳ - قوت دست ۴ - طاقت تحمل محنت ۵ - اسباب کتابت .

تمرین خوشنویسی

اما قدری راجع به تمرین خط ذکر شود . اساس و واحد خوشنویسی را بر روی نقطه میگذارند چه بواقع واحد اول اوست و اوگین اثری است که قلم بر روی کاغذ میگذارد و پس از آن حروف را مینویسیم . هر حرفی رابطه مستقیم با ابعاد نقطه دارد . چه پهنای حرف همان پهنای نقطه و هم پهنای قلم تراشیده خطاط است . گردش قلم که موجد و پدید آورنده نوشته است ، رابطه هندسی و ریاضی دقیقی با نقطه دارد . مثلاً حرف « ن » که ممکن است فاصله بین دونیش چپ و راستش پنج عرض نقطه را در آغوش گیرد و اگر بیشتر شود قوس « ن » بازتر و اگر کمتر شود قوس « ن » تنگ تر میگردد که هر دوی آنها لطمه مستقیم به زیبایی حرف و بالاخره به سطرو صفحه میزند . این است که مخترعین خط این روابط را کشف و تدوین کرده و تعلیم داده اند .

در مورد تعلیم ، معلم خط سرمشق میدهد و شاگرد به تمرین می پردازد و بعد استاد تصحیح میکند تا بعدی که نقص کمتر گردد . با دقت بدقائق خط جناب مشکین قلم در یکی از قطعات ایشان مثلاً « یا بهاء الابهی » توجه کنیم ، که باجه مهارت صفحه را تقسیم نموده و باجه نبوغ کلمات را ترتیب داده و باجه دقت هر حرف تحریر شده . گویا بارها تمرین و تکمیل نموده تا به این بلوغ رسیده است .

گاهی خوشنویسان بزرگ به تقارن پرداخته اند تا این معماری روحانی جلوه محسوس و مخصوص پیدا کند چه تقارن را رمز زیبایی دانمی میدانند . گاهی با تحریر یک مطلب ، قطعه تمرکز می آوردند . کلیه حروف در کنار دایره آمده حروف لام و الف و کاف کشیده و متمرکز و متمایل به مرکز دایره و شبیه خورشید و انوارش میشود . برای تزئین گنبد در هنر عثمانی از این شیوه استفاده شایسته نموده اند . اما مواردی داریم که کتیبه بسیار طولی سردر مسجدی رازینت میدهد و یا کتیبه خارجی زیر گنبدی را پوشانده و بر جلال آن افزوده است . در این مورد درب مسجد دروازه مقام مقدسی است و با ذکر آیات الهی بخط خوش فاتحه اللطاف شده که زیارت آن سبب توجه و تنبه و تذکر است و نواز زیر گنبد اشاره به این که حمل بار سنگین گنبد میکند و استواری و برقراری گنبد ممکن و مطمئن است .

استادی خوش نویس در تقسیم عادلانه کلمات است و مهندسی عجیب او در جادادن آن همه متن و مضمون الهی در عین هم آهنگی بدون نقص و تنگی و یا فراخی است . بطوری که از خود سؤال میکنیم که آیا معماران را برای اخذ و قبول این کتیبه ساخته یا کتیبه را برای این محل درینا پرداخته اند؟ تجانس عجیب بین خط و معماری چه در پرستشگاه و چه آرامگاه در مقام آثار اسلامی ایرانی مشهود است و حکایت از تعلق و خلوص و ایمان معمار و خوشنویس و همکاری ایشان با یکدیگر دارد .

در ایام قدیم برای تمرین ، اهمیت بیش از معمول قائل بودند . از تمرین های اساتید بزرگ کم و بیش آثاری باقی مانده . عموماً در ضمن تمرین خط به تکرار یک کلمه می پرداخته اند تا بالاخره آن کلمه در نهایت استواری ظاهر گردد و بعداً تمرین را ادامه میدادند تا حروف دیگر هم در حد خود به کمال برسند . بعداً در صفحه جداگانه تمام مطلب را از نومی نوشتند که به قطعه مشهور در نزد طالبان بسیار مرغوب است . این قطعات تمرین را که « سیاه مشق » می گویند ، جلوه مخصوص دارند و شبیه موهای ضخیم و مشکلی پراکنده روی صحنه کاغذ می باشند . دیدن آنها حس کنجکاوی را برمی انگیزد و بدنبال آن میرویم که خوشنویس در این نامرتبی و نابسامانی چه

حرفی یا چه لغتی را قریب و تعقیب می کرده و کجا بکمال رسانده که آماده انتقال بر روی قطعه مورد نظر گردد. این سیاه مشق ها بسیار مطلوب اهل هنرند. در این اواخر غریبان بسیار مشتاق داشتند آنها هستند و شباهتی بین این کارونقاشی نودر آن میجویند. در این اواخر سرمشق رایامعلم حسن خط میداده یا چاپ میشده و در دفتر مخصوص قریب خط میآمده است. قریب در این اواخر با دقت کمتر صورت می گرفته و بسرعت و بی قراری صفحات متعدّد را بر میگردند و تأثیر در خوشنویسی نداشته است. و از همه ناروا تر ظهور قلم خودکار ساخته ای است که صدمه بزرگ به حسن خط و حتی به ترتیب و خوانائی خط زده است.

هنرهای خوشنویسی

گاهی خوشنویسان به همکاری و کمک معماران خط را با مصالح موجوده درینا تطبیق میدادند، مثلاً آیه قرآن کریم را با آجر باریک یا کاشی مخلوط با آجر نوشته و ترتیب میدادند که حروف تمام گوشه دار و هندسی و با جلوه و عقب نشانند سایه دار میشدند. گاهی هم آیه بسیار طولانی را از گوشه سطح مربعی شروع و پس از ختم يك سطر نود درجه چرخانده و مثل طرح حلزونی بتدریج تمام سطح را بر میکنند تا در مرکز مربع آیه تمام شود. این امر سبب میشود که جلوه مخصوصی باین سطح بدهد و در ضمن حالت رمز پیدا کند. در بعضی از کتیبه ها نام خدایا پادشاه سازنده مسجد یا قصر و بنا را در پشت تریا بشیوه دیگر یا ب رنگ دیگر نوشته اند که زیبایی آن خیره کننده است و عبارت از شیوه غریبان در نوشتن کتب مقدسه که فقط حرف اول را تزئین می کردند زیبا تر است. میتوان تصور کرد که بواسطه منع نقاشی در کشورهای اسلامی توجه شدیده خوشنویسی حاصل شده و استفاده از آن در نوشته های معماری، تزئینی و تحریری رشد و بلوغ مخصوص پیدا کرد. مثلاً يك امر بکلی بی سابقه تزئینی را مورد توجه قرار دهیم و آن يك بشقاب گرد سفالی با لعاب سفید دوره سامانیان که با خط کوفی مشکی در لبه خود نصیحتی روحانی را بطوری در حاشیه جاداده که تمام دایره لبه پر شده و در ضمن نقطه ها را ب رنگ قرمز پر رنگ آورده که گوئی غنچه ها در میان بوته ها قرار دارند. این امر چنان بحد بلوغ خود رسیده که سبب اعجاب و تحسین غریبان و شرقیان واقع گردیده و در عین سادگی دارای زیبایی سحر انگیزی شده است. گاهی ممکن است خط خوش را ترکیب جدیدی بخشید مثلاً هنر تکرر یا مکرر نوشتن يك جمله بهمان نوع در زیر هم با فاصله کم و فشرده با مرگب هائی که از پر رنگ تا کم رنگ تغییر می یابند. بطوریکه خط زیر سایه خط بالا میشود. بهترین نمونه آن در قطعه تحریری جناب امان الله موقن دیده شده (همه باریک دار و بزرگ يك شاخسار) (بست جمله بیام بهائی) اما هنر تقارن یا متناظر یا آینه و در ترکی آینه ای بهترین نمونه آن دو خروس جناب مشکین قلم است که گویا خروس در مقابل آینه قرار دارد. هنر تسلسل داریم که خط بدون انقطاع در نهایت روانی چون نهری در جریان است بهترین نمونه آن بسم الله الرحمن الرحیم بخط بخط مشهور عثمانی، قره حصاری، در موزه اوقاف اسلامی در اسلامبول است. هنر طفرانگاری بر عهده خوشنویسانی بود در دربار عثمانی که در دیوان عالی نام سلطان و پدر و القاب مخصوصه او را در نهایت مهارت بصورت پر قوس و انحنائی بانرمشی لطیف در هم بافته و بهم پیوسته به ترتیبی می نوشتند که حکم تاج عمامه مانندی را می یافت. آنرا در بالای فرامین سلطنتی و در پشت مسکوکات می آوردند. به معنای خود حکم صحه و امضاء سلاطین را داشت. در این رشته پیچیده جناب مشکین قلم نهایت مهارت خود را در آثاری شبیه بخروس های طرح خودشان نشان داده اند. اما در این سه قرن اخیر هنری اختراع و بر شد بی انتهای رسید و آن ترتیب کلمات است به صورت موجودی مصور مثلاً رأس انسان، کبوتر، کشتی، مناره، ستاره و پرنده و شیر درنده و مشهورترین ثمره این گلستان هنر، خروس خواننده جناب مشکین قلم است. بعد از آن نوبت به شیرهای مشهور طرح ایران و پاکستان اشاره ب وجود مبارك حضرت علی (ع) میرسد. خوشنویسی نه تنها معمول کتاب و کتیبه بود بلکه در نوع مخصوصی «طومار نویسی» هم ترقی مخصوص نمود. طومار نویاری است از کاغذ مرغوب با عرض کم و طول بسیار. معمول ترین آن طومار شامل قرآن کریم است که تمامی متن در آن تحریر و گاهی در داخل محصوره هائی بصورت ریز نوشته شده که از دور صحنه با غنچه بندی را بیاد می آورد و گاهی نوعی دیگر مثلاً ۹۹ نامهای خدا (اسماء الله) بطور جلی تمام طومار را

پرکرده ولی در داخل آن تمام قرآن مجید بصورت ریز تحریر شده . شبیه این کار از جناب علی مسمی پرست اصفهانی علیه رضوان الله دیده شده که بصورت درشت زیارتنامه مبارکه رانوشته و داخل آن بصورت ریز تمام کتاب مستطاب اقدس را آورده است .

هنرهای دیگر از قبیل خط ناخنی و خط گشنیزی و شبیه آنها در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی اختراع شده و معمول بوده که ذکر آنها سبب درازی کلام و خستگی میگردد .

مراحل خوشنویسی

مواردی که بانوشتن همراهند عبارتند از:

تحریر و لغت محرر از آن آمده که بشخصی می گفتند صاحب سواد کافی و اطلاع کامل بردرست نویسی و مهارت در خوانانوشتن داشته . در کتب معتبره محرر بخود اجازه میداده نام خود را هم ذکر کند .

کتابت که لغت کاتب مأخوذ از آنست . در این مورد بیشتر منظور نویسنده ای است با معلومات و خوشنویسی در سطح بالا اکثراً قرآن کریم و رسائل و کتب ادعیه و دیوانهای شعرای مشهور را تکثیر می کردند و خود را کاتب می دانستند که مرتبتی عالی داشتند .

ترقیم یا رقم نویسی که نویسنده خود را رقم میداند و مرتبت آن از کاتب کمتر است .

استنساخ یا رونویسی از روی متن موجود که فقط درجه صحت و دقت در رونوشتن برداشتن مقام ایشان را معین میکند . این ردیف از خادمین در امر الهی صاحب رتبتی عالی بودند .

تسوید بمعنای رونوشتن برداشتن با توجه به مقابله مکرر با اصل که یقین حاصل شود که تفاوتی با اصل ندارند . این امر با شاخصی مطلع و مطمئن و یاد دقت بیش از معمول و اگذار می شده . در امر تکثیر کتب مقدسه خدمات شایانی نموده اند . جمیع این مراتب در دربار سلاطین و حکام و امراء و علما معمول و مورد استفاده واقع برای متون اداری و مذهبی مأمور و منظور بوده اند . به همراه خوشنویسی هنرهای دیگر از قبیل تزئین و تزیین و تذهیب معمول گردید که از بحث این مقاله خارج است . برای راهنمایی و تعلیم در حیطه این هنر بزرگ از قرون اولیه تا با امروز در دنیای اسلام کتب متعدده بالسن مختلفه تألیف شده که اکثراً مکتب های خوشنویسی را تشریح نموده و استادان آنرا معرفی کرده و ضمناً سرمشق هایی نیز داده اند . گاهی هم بتعلیمات اضافی برای تهیه قلم و کاغذ و مرکب مرغوب و صیقل کاغذ و تزئینات و جدول کشی و طلاکاری پرداخته اند .

بدنیست ذکری هم از تک روها بشود . مقصود خوشنویسانی هستند که به کارهای بی سابقه ساخته و پرداخته اند . مثلاً خوشنویسانی که بر روی صفحه فولادی خط و تزئینی را آورده و مشبک و ارفصحه فولادی را بریده و آنرا زینت درب مساجد و سرعک ها و امثالهم نموده اند . یکی دیگر از تک روها تحریر یا فشار پشنت ناخن است . بر روی صفحه کاغذ نرم و نسبتاً مرطوب که پس از خشک شدن در مقابل نور مورب قابل خواندن گشته و نادیده ها دیده میشوند . گوید این مورد هم جناب مشکین قلم کارهایی داشته ولی هنوز نمونه از آن پیدا نشده است .

خوشنویسی در امربهای

حال که قدری در عالم خط بسیر و سلوک پرداختیم باید توجه به این مطلب نمائیم که وجود نادری چون جناب مشکین قلم بمنزله شاخه بسیار قوی و محکمی است که در رأس درختی تنومند و سالم و کهنسال بوجود آمده که رابطه آن با دنیای گذشته در نهایت استحکام است و علاوه بر آن خود این خوشنویس صاحب قدرت خلاقه شدید و جدید بوده که بسهم خود پایگاه تولد شاخه های جوانتری خواهد شد که امر پیوستگی را اجراء میکند و با زاین شاخه های تازه تر متوجه به کمال و علو و امتناع میشوند و بخلق و ایجاد شاهکارهایی می پردازند و امید قطعی مابدانست که این قبیل هنرمندان در امان امر بکثرت ظاهر و جلوه گری پردازند . چه که کمال درغایت هنر و در منظور است و برای تلطیف روح از اعظم وسائل محسوب . (بفرموده حضرت اعلی کمال هرامر بهشت اوست) درد و کشور ایران و آل عثمان خوشنویسان بسیار مورد نظر شاهان و بزرگان وهم محترم دوران بوده اند و در

تربیت هر جوان از خانواده اعیان ، خط خوش نوشتن از اہم مطالب برنامه تعلیم و تربیت ایشان محسوب میشده و تکثیر کتب مہمہ و ترتیب فرامین واحکام بہ بہترین خط وبخصوص قراردادہای کشوری و تہیہ اسناد وظیفہ ایشان بودہ است .

اما دردنیای امرتوجہ بہ کمال باطن وظاہربیش از ہر دور منظور و محسوس بودہ و ہست . در مورد ہنر حسن خط ہذکر نمونہ ہای عالیہ آن می پردازیم :

حضرت رب اعلی بخط نستعلیق در نہایت زیبائی و شکیوہ شکستہ در عین ظرافت ولطافت وجلوہ آسمانی مکاتیب وتوقیعات خود را مرقوم می داشتند . بالاتراز ہمہ سرعت عجیب ایشان در تحریر بود کہ صحت در کتابت ہم مزید اعجاب ہمگان میگردد . آثارشان بصورت اصلی بکرات در کتب آمدہ است و بزرگترین مجموعہ خطوط اصلی ایشان در دارالآثار بین المللی بہائی در حیفاضبط شدہ است . حضرت ایشان بخصوص خط شکستہ راقعید و «باب الخطوط» نامیدہ اند .

در خاندان حضرت بہاء اللہ جل اسمہ الاعلی والد ماجدشان میرزا عباس نوری از مشاہیر خوشنویسان ایران در دربار فتحعلی شاہ بودہ اند . نستعلیق ایشان در نہایت حلاوت و کمال واتقان است . از آثار ایشان در دارالآثار بین المللی بہائی و بسیاری از مجموعہ ہای ہنر خوشنویسی موجود است . از خطوط جمال اقدس ابہی نمونہ ہای متعددہ موجود است کہ با قلم ریز سیاق شکستہ و گویادر نہایت سرعت نوشتہ اند . در ایام شباب در ایران مشہور بود کہ خط نستعلیق را بسیار خوش مینوشتہ اند . خطوط ایشان اصولاً بدودستہ تقسیم میگردد ، دوران قبل ودوران بعد از مسمومیت ایشان ، کہ در دورہ آخری آثار شدید تأثیر سم بصورت رعشہ در آنہا محسوس است . اکثر آثار ایشان در دارالآثار بین المللی و در خاندان احبای الہی و در دارالکتب ہای مشہور جهان موجود است .

حضرت عبدالہاء مولی الوری بدوشیوہ نستعلیق وشکستہ مرقوم فرمودہ اند . نستعلیق در نہایت ملاحظ و جاذبہ وشکستہ در عین لطافت و ہر سطر بتدریج بطرف بالامتایل ، بمثل کشتی کہ بوجی ہر میخورد و قصد عروج دارد . خط لاتین حضرتشان ہم حکایت از روح عظیم وحساسی مینماید . خط نوشتہ ہای ایشان اکثراً در دارالآثار بین المللی ، دارالکتب موجود و ہم در خاندان احبای قدیمی نگہداری میشود .

حضرت ورقہ مبارکہ علیابہائہ خانم نستعلیق پاک و روشنی دارند کہ خواندن آن بسہولت ممکن وقالیی است بسیار زیبا برای معانی ومفہومات عالیہ روحانی مکتوبات ایشان . اکثر آ در دارالآثار محفوظ مانده اند .

حضرت شوقی ربائی تعلق شدیدی بزبانویسی داشته اند و از ایام صباوت وشباب بہ آموختن خط مشغول بودہ اند . خط شکستہ ایشان از ملاحظ و بلوغ و کمالی حکایت میکند کہ بادقت بیش از معمول و تجزیہ وتحلیل مخصوص میتوان بقسمتی از ظرائف آن پی برد . خط نستعلیق ایشان کمتر دیده شدہ . خط لاتین ایشان از قدرت نفس واستقامت بی پایان حکایت میکند . اکثر آثار ایشان در دارالآثار و آرشیوہای محافل ملیہ و بسیاری ہم در خاندان احباً موجود و محفوظ است .

ناگفتہ نماناد کہ در خاندان جمال اقدس ابہی ، غصن اکبر میرزا محمد علی در خوشنویسی ہر اتب اعلی واصل و در رشتہ ہای شکستہ ونسخ نستعلیق ، رقاہ ، ریحانی و درباری بیداد کردہ است . حتی از خود خط جدیدی اختراع و ابتکار نمود . ولی چنانچہ حکایت میکنند پس از نقض عہدہ در این موہبت نقص وتغییر کلی حاصل شد .

نگاہی بہ حیات وآثار جناب مشکین قلم

در چنین محیطی ہمانند ایران وعثمانی جناب مشکین قلم متولد و بزرگ شدند . نام ایشان میرزا حسین (در بعضی تذکرہ ہا محمد حسین آمدہ) فرزند فاطمہ خانم وحاج محمد علی تاجراصفہان ، شیرازی الاصل ومتولد در اصفہان بسال ۱۲۴۱ - ۱۲۴۰ قمری ہجری (۱۸۲۶ میلادی) مقارن دورہ فتحعلی شاہ و بستن قرارداد ترکمانچای بودہ اند .

خودایشان گفته اند : اسم حسین پدرم علی مادرم فاطمه زهرا شهربانو و پسرم علی اکبر و خانه ام در کوچه جاشوهای شیراز. خاندان ایشان پیرو طریقت شاه نعمت الهی بوده اند. صعود ایشان بسال ۱۹۱۲ در عسکاً بمن ۸۶ سالگی واقع شده است. از کودکی ایشان اطلاع کافی نداریم. ابتدا به تحصیل علوم معموله زمان در دنیای اسلام پرداختند و به خطاطی و طراکی و نقاشی علاقه مخصوص داشتند. پدرشان بازرگان بود و با طهران و مشهد رابطه تجاری مستقیم داشت. پدرایشان برای مطالبه طلب بزرگی به طهران رفت و قیبل از وصول طلب فوت شد. پس از آن پسرشان میرزا حسین برای تعقیب آن طلب به طهران رفت و مدتی در آن شهر ماند. از قضای روزگار روزی در دکان یکی از دوستان نشسته بود که صدراعظم (که معلوم نیست اتابک اعظم یا میرزا آقاخان نوری بوده است) از جلوی حجره دوست ایشان می گذرد. میرزا حسین تصویر صدراعظم را کشیده در حجره دوست خود میگذارد. صاحب حجره در موقع مراجعت صدراعظم این تصویر را باو تقدیم میدارد که بسیار مورد توجه واقع میشود و وی را مأموری کند که بهر نوع شده رسام این ترسیم رایافته و به دربار معرفی کند و گرنه به سیاست شدید مبتلی میگردد. ترس از جان علت سرعت میشود و صاحب حجره بهر نوع شده میرزا حسین را پیدایا کرده و به دربار روانه میکند.

صدراعظم ایشان را برای تعلیم و لیعهد و سایر شاهزادگان روانه تبریزی نماید و لقب «مشکین قلم» به ایشان میدهد. مشکین قلم سالها در تبریز در منزل میرزا مهدی کلاتر ساکن و به وظیفه خود و حفظ نویسی مشغول بود. تا اینکه سفری به اصفهان برای دیدار خانواده نمود. در آنجا مطالبی از ظهور مبارک شنید و در موقع مراجعت در راه از شخصی بنام میرزا مهدی در طهران از امر الهی اطلاع بیشتری پیدا کرد و چنان مجذوب شد که دیگر حاضر به ماندن در تبریز نبوده و عازم شامات گردید. و در انتظار تشریف بحضور حضرت بهاء الله ماند. در حکب والی منورالفکر و عالم آنجا احمد جودت پاشا، ایشان را محترم داشته و به تعلیم و تربیت پسران معین میفرماید. در آن شهر بود که نبیل زرنندی با ایشان ملاقات کرد تا بالاخره به ایمان و ایقان کامل واصل شد. از آن بیعد این شعر ساخته جناب نبیل زرنندی را در زیر لوحه های خود مرقوم می داشت :

در دیار خط شه صاحب عکلم
بنده باب بهاء مشکین قلم

مشکین قلم با شور و شوق از حلب وارد آدرنه شد و نهایت آرزوی دل و جان خود رسید و به شرف لقای جمال مبارک فائز گردید. در آدرنه بتدریج به کتابت آثار الهی مشغول شد و در مجاورت مبارک غرق دریای نعمت و سرور بود. در این زمان بود که قطعه «بابهء الابهی» را به ترتیبی بدیع نوشته و بحضور حضرت مقصود معروض داشت که به تصویب مبارک رسید و مورد الطاف و انعام حضرت محبوب واقع گردید. بعد هادرسال ۱۲۸۵ هـ. ق (۱۸۶۸ م) برای اجرای چند منظور از جمله رفع شبهات و دفع مضرات دشمنان و معرفی حقیقت به اهل ایمان و کسب معیشت از طریق حسن خط به مدینه کبیره اسلامبول سفر کرد و در آنک مدتی مشهور خاص و عام شد و مجالس و مؤانس بزرگان هنر و دوستان گردید. ولی دیری نیاتید که بعکس سعایت دشمنان و بخصوص سفیر دربار ایران در دستگاه آل عثمان تبعید شد و به گالیبولی وارد شده و مدت کوتاهی در حضور مبارک مشرف بود و در راه تبعید به حیفا همراه گردید. تا آنکه در بندر حیفا ایشان را به همراه سه مؤمن عظیم الشان دیگر از جمع همراهان حضرت بهاء الله جدا کردند و به قلعه فاماغوستا (قبرس) تبعید نمودند. جناب مشکین قلم مدتها در قبرس محبوس بود تا اینکه در سنه ۱۸۷۷ پس از قریب دهسال مسجونیت و محرومیت، قبرس از دست عثمانیان خارج و وی آزاد شد و پس از ۱۸ سال دوری و تنهایی در سال (۱۸۸۶ م) دوباره عازم کوی دوست شد. در ارض اقدس ایشان به تسوید آثار مبارکه مشغول بود از جمله اقتدارات، اشراقات، کلمات مکنونه، مثنوی جمال مبارک، ایقان و رساله سیاسیة عبدالبهاء را استنساخ کرد که به تدریج به طبع رسیدند. در سال ۱۹۰۵ م برای نظارت در طبع کتبی که خود تسوید کرده بود عازم بیثی شد و به خدمات لائقه نائل گردید. کهن سالی ایشان و مراتب دلتنگی حاصله از دوری حضرت عبدالبهاء بعرض مبارک رسید که امر به مراجعت بارض اقدس فرمودند. در عسکاً سکونت نمود تا که در سال ۱۹۱۲ در موقع غیبت حضرت مولی الوری که در سفر غرب بودند،

جناب ایشان صعود کرد. این خیرموجب تأثر شدید خاطر مبارک گردید. در کتاب تذکرة الیوم شرح میسوط حیات و خدمات ایشان را ذکر فرمودند. فطوبی ثم طوبی له. میفرمایند: « شب و روز همدم و همراز بود و هم نغمه و هم آواز. حالت غریبی داشت و انجذاب شدید ی، جامع فضائل بود و مجمع خصائل، مؤمن و موثق و مطمئن و منقطع بود. بسیار خوش مشرب و شیرین سخن و اخلاق مانند بوستان و گلشن، ندیم بی نظیر بود و قرین بی مثیل. در محبت الله از هر نعمتی گذشت و از هر عزتی چشم پوشید...».

جناب مشکین قلم با آغایم خانم اهل اصفهان در همان شهر ازدواج کرد و ثمره آن دختری بنام شاه بگم و پسری بنام میرزا علی اکبر بود که بعدها در عگا بشغل قنادی مشغول بود. اولاد و احفاد ایشان امروز موجود و نوادگان کل از مهاجران و ثابتانند.

جناب فاضل مازندرانی در کتاب « ظهور الحاق » مشروحاً ذکر ایشان را نموده. جناب بالیوزی در کتاب « بهائیان مشهور » ایشان را صاحب عالی ترین فضائل معموله ایران در آن دوران دانسته و طبع شعور و قریحه سرشار و کلام و سخن پر از ذوق و نکته دانی و سخن سنجی بحد کمال ایشان را یاد آورده و علاوه بر آن در خوشنویسی و هنرهای ظریفه مربوطه بدان سرآمد اقران دانسته اند. در « کواکب الدریه » شرح کوتاهی از حیات طولانی ایشان ذکر و توصیف مقام رفیع ایشان چه در دنیای امروزه خارج آن آمده است. عبدالحمیدخان ایرانی صاحب کتاب « خط و خطاطان » ایشان را از نوایغ دوران دانسته و ذکر کرده که آثارشان در نهایت قدرت و معروف بهمه جا و همگان است. در کتاب آثار خوشنویسان، از استاد ی ایشان بارها ذکر نموده و اظهار شده که آثارشان شیرین و ملیح است.

اما نکته دیگر و بسیار جالب نظر، در موقع تهیه صندوق مرمر حامل عرش مطهر حضرت رب اعلی در آنگون برما، پس از ختم کار خوش نوشته ایشان « یا بهاء الابهی و یا علی الاعلی » جناب مشکین قلم از حضور مولای خود استدعا نمود که نام خود را در محل محدود جابدهد. پس از کسب اجازه جمله « بنده عبدالیهاء مشکین قلم » را به مهارت تام تحریر و تقدیم میدارد. هیکل مبارک خیلی متغیر میشوند. قطعه را گرفته میفرمایند که ابداً لازم نیست. مشکین قلم در نهایت خاکساری به توبه و انابه پرداخته طلب عفو می نماید. بعداً فرمودند بشرط آنکه با مضائی که در دوره جمال قدم میکردی برگردی یعنی « بنده باب بهاء مشکین قلم » * جناب مشکین قلم در جزء نوزده حواریون حضرت بهاء الله پابلسان دیگری از نوزده اعمده امر مبارک محسوب و در مجموعه تصاویری که هر ۱۹ حواری جداگانه آمده اند ایشان یکی از این ستارگان درخشانند. خانم پروفیسور شیمیل مستشرق مشهور ذکر ایشان را با اجتماع دو صفت در یک وجود ممتاز مینماید. اولاً قدرت در حسن خط ثانی استقامت فوق طاقت در عقیدت.

عموم زائرین و دوستان و مسافران حکایت از شور و غلبان و ظرافت طبع و عرفان و لطافت و خلق ایشان مینمایند.

این وجود ممتاز شعر هم سروده ولی بنام شاعر شهرتی ندارد. اما هنر خطاطی و سپس صنعت طراحی ایشان است که مشهور آفاق است خط شکسته را چه ریز چه درشت و بقول معروف چه خفی و چه جلی در نهایت نیکوئی نوشته و آثار بسیار از خود باقی گذاشته اند. نمونه آن در تحریر کلمات مکتونه و قطعات جداگانه و مثنوی مبارک قابل عنایت و موجب حیرت است. این شکسته نویسی ها از دور شباهتی دارند به موهای مجعد مشککی که بر روی صفحه پاکی بطور پراکنده، ریخته شده که حالی بخصوص دارند. خط نستعلیق را چون میرمی نوشته در نهایت بلاغت و استحکام و استواری و اکثراً بخط جلی و در عین حلاوت و شیرینی نمونه آن در کتیبه هاشملاً: « گر خیال جان همی هستت بدل اینجامیا... » آمده. دیگری خط بافته بهر سه نوع ثلث و نسخ و نستعلیق که بواقع حکم ترکیبی از تحریر و تمیق (زیباسازی) دارد و در نهایت اتقان نوشته مثلاً: « یا بهاء الابهی » و « یا علی الاعلی » * این مطلب را جناب دکتر محمدافغان از جد مکرم روایت کرده اند. و جناب ابرالقاسم افغان ذکر فرموده که والدین محترم همین مطلب را در موقع تشریح به آستان مبارک یاد آورده اند.

یا «عبدالبهاء عباس» که در نهایت اطمینان بترتیب آنها پرداخته و با توجه باین مطلب محسوس می‌کردد که الف ها و لام هارا به ترتیب ۳ یا ۴ شاخه بصورت گلدسته ها قرار داده و لغت «اللّه» را متعالی خواسته و در بالاترین قسمت صفحه جا داده و سپس «بهی» را چون ابر آسمان در حالت آرمیده و آسوده در قسمت ثلث بالا آورده است. خط نسخ ایشان گاهی شبیه خط یاقوت بوده و اما در تحریر چنان مهارت و کمالی نشان داده که باعث تعجب است. نمونه های آن بصورت قطعه یا پراکنده به همراه سایر خطوط بسیار دیده شده است. ایشان اولین خطاط بهائی هستند که برای تجسم خط خود از مفاهیم روحانی استفاده کرده اند. مثلاً صورت انسان اشاره به لغت لقاء که نام حسین علی (نام مبارک حضرت بهاء الله) را بصورت متقارن طوری ترتیب داده که شمایل و صورت انسان در آن منعکس شده که اجتماع در هنر تقارن (آینه) و تلفیق کلمات بصورت نیم صورت انسان (طفرانگاری) آمده که بکلمه هنر آینه نمائی، تمام صورت شده. یا مثلاً بصورت درخت صنوبر یا سرو خرامان که اشاره لطیفه بسدره المنتهی (مظهر ظهور خداست) رسم نموده اند.

در بین کارهای او مشهورترین آنها ترکیب خروسی است که نام مبارک یا بهاء الابهی یا یابهی الابهی را چنان بهم آمیخته که بدن خروس شده و سپس سر و گردن را با جلوه و ظرافت و در عین توانائی و زیبایی بدن افزوده که گوئی با حکم یک واحد یافته و از یک قالب در آمده. چنگهای خروس را یکی ایستاده و استوار خواسته و دیگری را متمایل و زاویه دار که لوح مبارکی را محکم گرفته و طالب حفظ آن گشته و در این لوح یا لوحه یکی از الواح جمال اقدس ابهی را تحریر نموده که با وجود خط ریز صاحب ظرافت ملایله کاری در هنر زرگری شده و کاملاً قابل قرائت مانده است. این خروس تجسم نموده و مظهری است از مفهوم عالی روحانی این کلمات عرفانی: مرغ بهشتی، دیک البقا، دیک عرش، ورقه الفردوس و حمامه قدسی که کل از مقوله تعبیرات روحانی و مقتبس از آثار مبارکه الهی است. اصولاً خروس در عرفان اسلام بمثل دین مقدس زرتشتی اشاره به بشارت صبحگاهی و ظهور خورشید الهی و حامل سروش و مژده آسمانی بوده است. و در بعضی موارد اشاره به صدای خروس قبل از آفتاب است تا مؤمنین بیدار شوند و بر از نیاز و ادای فریضه نماز برآیند. در معراج نامه اثر شیخ عطار ذکر خروسی است که همراه رسول خدا (ص) بود تا ساعت هارامعین کرده و اعلان صبح نماید. ملاکی رومی میگوید که این خروسی که شمارا بیدار میکند بایستی فرشته باشد. اما لغت بهاء را مظهر نور دانسته و جسم و جان خروس را با آن پوشانده و مجسم ساخته است. ایشان در ابتدا قبل از دوره خروس نشانی، ترکیب نوع دیگر از اسماء الله آورده که یا بصورت کبوترند یا طاووس ولی اکثراً خروسی پر خروش بر روی مفروشی زیبا ساخته و پرداخته است. در کارهای بعدی حتی این خروس مقابل خروسی دیگر ایستاده و با قدرت تمام از عهده این هنر «آینه نمائی» برآمده. گاهی درخت سرور در میان دو خروس کاشته و گاهی ستاره ته پر (اشاره بنام بهاء) در افق صفحه یا قطعه بحالت زوج یا تنها آشکار نموده است، و بندرت هم صورت انسانی چون ماه آسمانی بر آن افزوده است. در مواردی با ابری یا پره های طلائی و یا حاشیه مشکی ظریف به تزئین و تنمیق پرداخته و گاهی تاج خروس را برنگ قرمز نموده که لطف مخصوص آشکار شده است. در بعضی موارد لغت «یا بهاء الابهی» را در منقار خروسی جای داده که اشاره بحمد و ثنا بدرگاه الهی است. گاهی بخصوص در او خرایام از گل های بریده رنگین با سمه اروپائی استفاده کرده و پره های خروس و یا سطح قطعه را با آن تزئین نموده و پوشانده که از لحاظ علم مناظر و مرابدون ذره اشتباه است و کل در نهایت دقت معمول و مجری شده است (بخلاف اکثر تصاویر این دوره در ایران و ترکیه و پاکستان).

تصویری از طاووس کشیده که بر روی نخلی ایستاده که حکایت از دقت ایشان در طبیعت میکنند. در ترکیب خطوط مهارت عجیبی داشته و حکومت ایشان بر خط و گردش آن مطابق میل و نیت ایشان امری مسلم است. در پیاده کردن خط و در نهایت هم آهنگی با سطح کنار آمدن، استاد مسلم بوده اند بطوریکه پس از ختم کار آنرا میتوان یک بنای کامل بدون حشو و زوائد دانست. در تحریر مثلاً «زیارتنامه مبارکه» که فقط بخط

نستعلیق است یا الواحی که بدویاسه خط متفاوت نوشته تجانس بیمانند موجود است ، که حاکی از تسلط ایشان در امر عرضه تناسب و رابطه و ضابطه در قانون خط است . اینجاست که میتوان ایشان را معمار بزرگ بنای خط و خطاطی دانست .

گاهی بشیوه دوره تیموریان بصورت مورب صفحه را پر کرده (اشعار جنابان نیرو سینا راجع به حضرت ورقا) و گویا جدول و خط و حاشیه هم کار ایشان باشد که شباهتی بطرح باغچه بندی یازری صفوی و شال کشمیری پیدا کرده . گاهی بکمک ابرطلاتی بین حروف و کلمات را پر کرده و جلوه آسمانی بخشیده است . در یک مورد هم کار مشهور صوفیان و درویشان خانقاه ترکان را نمونه قرار داده و آنرا بکمال رسانده . نمونه آن آیه شریفه است « کل شیئی هالک الا وجهه » که بصورت تاج درویشان آمده و رمز آن انطباق قوسها و الفهای کلمات است که در مواردی که قوس مشترک یا جهت مشترک دارند بر روی هم انداخته و جنبه خط پنهانی یافته که خواندن آن فقط برای اهل فن میسر است .

امضای ایشان ندره میرزا محمد حسین (گویا برای عرضه بدنیای خارج یا مستور نگه داشتن نام خطاط) ولی اکثراً (بنده باب بهاء مشکین قلم) بوده و یا این بیت (در دیار خط شه صاحب عظم بنده باب بهاء مشکین قلم) که در نهایت دقت تحریر و در گوشه و در طبقه زیر جاده و معمولاً تزئین نموده و با قوسهای لطیف قاب کرده و گاهی با جمله تکمیلی که درجه حالی و درجه شهری و وجه تاریخی نوشته است . کارهایی هم از ایشان هست مثل (مثنوی مبارک) که بدون امضاء مانده .

اماعتل اینکه بعضی از آثار ایشان امضاء ندارد ، شاید تعصب شدید بعضی فارسی زبانان بوده که از طرفی عاشق و طالب خوشنویسی ایشان بوده اند و از جهت دیگر مطلع که این وجود مبارک بهائی است و با چه استحکامی در امر ایمان قائم و برجاست ، عطف به تعصب جاهلیه از خرید آن هم که گرانقیمت بوده میگذشتند و فقط بی امضاء ها را طالب بودند .

نکته هائی درباره تجزیه و تحلیل خط مشکین قلم

در کارهای این خوشنویس بزرگ کاملاً محسوس که در موقع نوشتن خط درشت (جلی) قوسهای حروف را در نهایت دقت و شباهت بهم آورده و دنباله حروف ج و ح و خ و ل و ن و ی و س و ش گل شبیه بهم و یکسان و کاملاً مطابق معماری خط میباشد . در موقع نوشتن بطوری تحریر می کرده که از شروع حرف تا آخر آن جمیع حرکات قلم محسوس و حالت مرکب در حرکت با کم رنگ شدن مرکب برای هر دیده مقبول است .

ما مطمئن هستیم که عادت ایشان بر این بوده که قبل از تحریر تعداد زیادی قلم تازه تراشیده و آماده تهیه کرده و از قلم سائیده و فرسوده بیزار بوده اند و گوئیا عطف برسم دوران، خود ایشان مرکب برای خود می ساخته اند . گوئیا قبل از شروع به تحریر ، نهایت بنظافت پرداخته و در موقع تحریر آثار در حال توجه و دعا و مناجات بوده و صفای قلب ایشان بوده که دست ایشان را هدایت میکرده است .

شاهکار ایشان در ایجاد قوسها در خط درشت آشکارتر میگردد . در مورد حرف ه مشهورید و چشم در لغت بهاء و یابهی که شاهکاری است در عین کمال . حروف ر ، ز ، د ، ذ ، ایشان که بدرشت نوشته اند در عین مهارت و قابل انطباق بر روی یکدیگر است و در عین ملاحظت الف ها و لام ها و کاف ها در نهایت ایستادگی و ترتیب و گویا که ستونهای عمودی یک بنا باشند گل متوازی و شاقولی میباشد .

طرز تحریر دوره ایشان بدو ترتیب بود یکی اینکه بر روی تشکچه می نشستند و پای چپ را بر روی زمین آسوده می گذاشتند و پای راست را بطوری تا کرده و بالانگه میداشتند تا دست چپ و کاغذی را که با آن دست گرفته بودند به آن تکیه دهند و یادست راست با قلم نی که بدوات می بردند با دقت کامل و تسلط بر ورقه ، به تحریر مشغول می شدند و این البته برای صفحات کوچک ، عملی و معمول بود و یا اینکه بر روی تشکچه می نشستند . در مقابل میز کوتاهی داشتند که صفحه کاغذ را بر روی آن قرار میدادند و با قلم به تحریر می پرداختند که برای نوشتن خط درشت بسیار قابل استفاده بود .

گاهی برای نوشتن خط بسیار درشت (مثلاً عرض آن از ده سانتی متر بیشتر بود) آزمایش‌های معمولی پایه بلند استفاده می‌شده در این مورد مرکب رقیق تر از معمول بکار می‌برده تا گردش قلم بدون زحمت و مقاومت زیاد کاغذ میسر باشد و قلم آن یا نی بسیار ضخیم ، یاد و قلم باریک که در وسط بکمک تخته چوبی با فاصله لازم از هم دور نگاه داشته و یا گاهی برای تهیه قلم تخته چوبی (چوب سست و سبک وزن مرغوب‌تر بوده چه می‌توانست به راحتی مقداری مرکب در خود جذب و جمع کند) گرفته و بصورت قلم تراشیده که خطاط بدون زحمت زیاد خط جلی را بر روی کاغذ می‌آورد . بعداً در این مورد نوبت شاگردان میرسد که به پر کردن خط البته تحت نظر استاد می‌پردازند .

جناب مشکین قلم گویاهم برزانه هم بر روی میز تحریر می‌پرداختند . گاهی جناب ایشان برای امور فرعی از دوستان کمک می‌گرفت مثلاً برای آهار زدن و صیقل یاسنگ زدن کاغذ که سطح صاف و قابل نوشتن گردد ممکن است که برای تکثیر خروسها و امثالها از شیوه سوزنی استفاده می‌کرده که معمول زمان بوده است . بدین ترتیب که شکل پرند رادرمزه‌های خارجی آن بکمک سوزنی سوراخ سوراخ می‌کرده و بعداً بکمک گرده یا نرمه ذغال چوب که از پارچه کتان کهنه خارج می‌شده و بر روی صفحه سوراخ سوراخ شده به آرامی کوبیده تا تصویر بر صفحه جدید منتقل شود . بعداً بکمک قلم این نقاط را بهم وصل می‌کرده اند که ثمره آن نقش گرده ای از ترسیم یا خط اصلی بود . بعد از ختم کار تشخیص بسیار مشکل که کدام اصل است و کدام کپی و کجا کپی شده است و با استفاده از این نقش گرده ای و برگرداندن آن میتوان تصاویر آینه ای بوجود آورد . مثلاً دوزخوس متقابل یاد و کبوتر متناظر و یا نقش صورت متقارن که شاید ایشان بدین شیوه آنها را ساخته و پرداخته اند . از قرار مجموع مجموعه ای از ابزار کار ایشان باقی مانده که مؤید این مطلب و قابل تحقیق دقیق است .

در موقع تحریر با قلم نی موسیقی مخصوصی از قلم شنیده میشود که آنرا ناله قلم و در آثار قلم اعلی بنام صریخ قلم نامیده و در مدرسه بدان جیرجیر قلم می‌گفتیم که هنوز گوش بسیاری بدین صدا آشناست . در گزارشهای مؤمنین شرقی اکثراً ذکر لطائف ایشان میشود که حاکی از صفای دل ایشان بوده بخصوص مشهور است که هروقت حضرت عبداللہاء دلتنگ میشدند ، دستوراً با حضار ایشان میدادند که وجودشان سبب سرور قلب مولای مهربان میگردد . و ایشان رامونس خود میدانستند . فرموده اند که ... « مثل گلستان غرق گلهابود . همیشه خندان بود . روح مجسم و عشق مصور بود » . حال حکایتی کوتاه از ایشان در دوره محبوب عالیان . اصرار فراوان داشت که حتماً در حمام خدمت جمال جانان برسد . این امر ابتدا معمول نبود و مقبول نه . ولی با صرار خود می‌افزود . سؤال شده که مقصود و منظور ایشان چیست ؟ بکمال صراحت و در عین ظرافت معروض داشت که غرض آنکه « تا خودش ببیند که چه آدم بیرختی را خلق کرده »

ایشان باریک اندام بودند با صورت لاغر و نحیف و موهای کم و بلند و ریش بسیار کم مایه . تصاویر متعدد از ایشان موجود است ، گویا اولین در جمع خاندان مبارک و مؤمنین اولیه در آدرنه ، بعداً تصاویر دیگر مربوط به ایام کهولت در عکا . لباس ایشان بسیار ساده و فراخ و از هرزینت و طرازی رنگارنگ آسوده بوده اند و در سالهای آخر عینک معمول آن زمان بصورت بیضی کوچک بر چشم و عصائی در دست و تسبیحی در دست دیگر داشته اند . گویا آخرین خاطره از جناب مشکین قلم بقلم شخصی است زائر فرنگی که در ۱۹۱۲ بکوه خدارفته بود

بنام استونز که کتابش مشهور است به E.S. Stevens . The Mount of God .

بدیدار مردی بسیار کهنسال با موهای کم و تَنُک که از زیر عمایه ظریفش بر روی سینه ریخته بود رسیدم . در اطراف کوچک خود مرا پذیرفت . بر روی تختی که محل خوابش بود نشسته لباس شرقی پان داشت . تنه‌ازینت اطاق او خوش نوشته ممتاز بود که بازینت طلائی قاب کرده . از ایشان تقاضا کردم که اگر ممکن است آخرین کار خودشان را نشان بدهند . تخت خود را کنار کشیده ، جعبه چوبی را از زیر آن بیرون آورد و پس از جستجوی مختصر لوله یا طوماری را از کاغذ شبیه به پوست بیرون آورده بر روی تخت باز کردند . از ایشان سؤال شد که آیا دست شما فیروزه ؟ گفتند که الحمد لله دستم آرام است ولی دیگر نمیتوانم آهسته بنویسم . عجله

درتحریر دارند و گاهی ارزش تعیین کلمات برای ایشان مشخص و معین نیست . فرمودند بیک طریق کهن است که خط را بکمال رسانند آنهم موقعی است که کاغذ در کف دست قرار گیرد . واگر کسی بخواهد مشق کند باید شب بنویسد ، چه هیچ نوری بهتر از نور شمع نیست . ولی تعداد معدودی هستند که میتوانند بنویسند . مؤلف این کتاب میگوید : موهای ابریشم مانند ، ایشان را بصورت بانوی باوقاری در آورده که گوئیا از ملکوت خدا آمده و با عالم خاک سروکاری ندارد . در این چشم های پیریک قدرت عجیب و جوانی و تازگی موجود که خالق آن همه آثار زیبا شده است . (انتهی)

ایشان در اصفهان همسر جوان خود را گذاشته و بعد هاپس از بیست سال بی خبری از یکدیگر ، دست تقدیر خانواده را از وجود و حال ایشان مطلع می کند و پس از کسب اجازه همسر و پسرایشان عازم ارض اقدس شدند و پدر گمشده را باز یافتند .

یادی از بعضی از خوشنویسان

مطلب بسیار مهم آنکه در دیانت مقدسه حضرت ربّ اعلی و شریعه الهیه حضرت بهاء الله معمول و نهایت اهتمام میبذول که جمیع آثار به بدیع ترین شیوه تحریر گردند . از خوشنویسان دوره حضرت اعلی ، حاج میرزا حسن خراسانی (که کتاب صحیفه مخزونه را با خط طلا نوشته که حال در محفظه آثار موجود است) ، میرزا عبدالوهاب و آقا سید اسد الله دیان و میرزا یحیی تشویق و میرزا آقارکاب ساز مشهورند .

از دوره جمال اقدس ابهی - جناب زین المقربین ضیاء السلطنه دختر فتحعلیشاه و میرزا محمد علی و جناب مشکین قلم و درتحریر میرزا آقا جان کاتب وحی ، مذکورند . از دوره حضرت عبدالبهاء جناب مشکین قلم و میرزا محمد زرقانی و میرزا طراز الله سمندری و زین المقربین و محب السلطان و نعیم سدهی و عندلیب لاهیجی و آقا میرزا یحیی تشویق ، آقا سید محمد علی نبیل اکبر و جناب روح الله ورقا و جناب عبدالمیثاق میثاقیه نام آور بوده اند .

از دوره حضرت شوقی ربّانی - جناب علی اکبر روحانی (محب السلطان) ، جناب زین ، جناب رضوی کرمانی ، بیاد مانده اند .

از دوره جدید - جناب یحیی جعفری ، جناب امان الله موقن ، جناب سعادت الله منجذب ، جناب مهندس فردوسی ، جناب برهان زهرائی ، جناب ابوالقاسم فیضی ، جناب دکتر مهدی سمندری ، جناب هوشمند فتح اعظم و جناب هندای و دوستان بسیار دیگر بوده هستند .

در جستجوی الواحی از حضرت مولی الوری درباره خوشنویسی و خوشنویسان . بزیرارت سه لوح مبارک موفق و مشرف شدم که برای مسک ختام ذکر میگردند . *

هو الله

ای بنده در گه بها باید بقسمی بنشر نفعات الهیه پردازی که فرصت آه و ناله نداشته باشی ملاحظه کن که عبدالبهاء چگونه شب و روز مشغول و حریص و و منعمک در اعلاء کلمه الله است اینست سبب فلاح و نجات که فرصت ترا شنیدن خامه و تغییر لایقه آمه ندارم لهذا با قلم شکسته مرقوم میشود . ع ع

* لازم آمد که در ختم مقال بحضور سروران گرام چون جناب دکتر وحید رافعی - جناب پروفیسور حشمت مؤید - جناب دکتر شاپور راسخ - جناب هوشمند فتح اعظم - جناب دکتر ایرج ایمن - سرکار خانم پروفیسور شیمیل - جنابان امان الله موقن و صادقیان و بسیاری از عزیزان نهایت سپاس قلبی خود را تقدیم دارم که بدون کمک های پر ارزش ایشان جمع و درج این مطالب ممکن و میسر نبود .

جناب آقامیرزا مهدی یزدی علیه بهاء الله

هو الله

ای مهدی یاران روزقام شد و آفتاب دم غروب است و خامه عبدالیهاء از یامداد تا بحال در رکوع و سجود و حال دیگر جواب میدهد و قسم میخورد که اگر اسب تازی بودم و یاسمند ترکمنی حال از یافتاده بودم و سراز سجود برغیداشتم از برای خاطر خدادست از من بدار والا زار زار گریه کنم من میگویم ای خامه این جناب آقامیرزا مهدی یزدی است و خاطرش نزد عبدالیهاء بسیار عزیز است از خدا بترس فتور میار سرسپار این ورق رارشگ باغ ارم کن بیان اشتیاق کن رسم محبت آشکار نما قدری تحریر کن اندکی تقریر نما آنوقت هر چه میخواهی بکن والا بضرب تازیانه چنان ترا جولان دهم که تادم صبح ترک تازی کنی و گوشت و استخوان نذر جان بازی نمائی قلم چون سطوت خطاب شنید با حال شکسته و خسته و بی تابی در تکاپو آمد و تا آخر ورق جولان نمود اینست سرگذشت عبدالیهاء دم غروب آفتاب از افاق دنیا . ع ع

تبریز

جناب آقامیرزا ابراهیم خطاط علیه بهاء الله

هو الله

ای خطاط باثبات هر خطی در صفحه کائنات خط خطاست، مگر خطی که ناطق با اسم جمال ابهی است، نگارنده، خطاط آفاق است و مظهر موهبت نیر اشراق، چون نظریه عالم امکان نمائیم رقی منشور یابیم در آن لوح محفوظ، آیات و کلمات و حروفی مسطور ببینیم، که هر کلمه طیبیه شجره ای است اصلها ثابت و فرعها فی السماء و توتی اکلها فی کل حین و هر کلمه خبیثه مانند شجره خبیثه است اجثت من فوق الأرض مالها من قرار الحمد لله بفضل و موهبت جمال ابهی روحی له الفداء، احبای باوفا کلمات طیبیا تاند و کلمه طیبیه بر زبان رانند و کلمه طیبیه از گفتار و رفتارشان آشکار گردد. پس قطعه آذربایجان مانند صفحه ساده میماند امیدواریم که احبای الهی در آن لوح مرمده کلمات طیبیه گردند و حروفات مقدسه شوند بلکه آیات باهره گردند تا برهان ظهور جمال قدم شوند و حجت قاطعه اسم اعظم. ای رفیق چون چنین جلوه نمائی در نزد عبدالیهاء خطاط لوح مسطوری و کاتب رقی منشور و تصدیق خوش نویسی شما مینمایم. از قرار معلوم دل تنگ شده ای و از گبرودار فرار خواهی، ای رفیق این نشد باید مردمیدان باشی و گوی عزت ابدیه بچوگان همت بریائی. وجود شما در آن صفحات حال لازم است و یقا اولی اگر چه زحمت بسیار است و مشقت بی شمار ولی باید تحمل نمائید و بذیل مقدس تشبث جوئید و طلب تأئید کنید و به انقطاع و انجذاب و وله و شور و شوق و شعف مغناطیس توفیق گردید و چون تأئید حاصل گردد جمیع این زحمات و مشقات فراموش شود و عليك التحية و الثناء ع ع

منابع بزبان فارسی

- | | | |
|---------------------|--------------|--|
| ۱ - اشراق خاوری | عبدالحمد | «نورین تبرین» طهران مؤسسه مطبوعات امری ۱۹۶۷ |
| ۲ - بالیوزی | حسن | «حضرت بهاء الله» ترجمه فارسی - آمریکا ۱۹۹۲ |
| ۳ - برافن | ادوارد ج. | «یکسال در میان ایرانیان» طهران - ترجمه فارسی |
| ۴ - خادم | ذکرالله | «شهادت مستشرقین درباره امر مبارک» طهران مؤسسه مطبوعات امری |
| ۵ - رأفتی | دکتروحید | «مقدمه بر احوال مشکین قلم» ذرکتابی راجع به مشکین قلم - لندگ ۱۹۹۳ |
| ۶ - رأفتی | دکتروحید | «توضیح مختصر بر اثر هنری مشکین قلم در تفسیر» مثنوی مبارک - فرانکفورت ۱۹۹۳ |
| ۷ - رقیعی | ابوالقاسم | «خط و خطاطان» طهران ۱۳۴۵ |
| ۸ - شیمیل | خاتم آتاماری | ترجمه «مقدمه کوتاه بر مشکین قلم» مؤسسه لندگ - ذرکتابی راجع «به مشکین قلم» ۱۹۹۳ |
| ۹ - عبدالبهاء | حضرت | «تذکره الوفا» چاپ حیفا ۱۹۲۴ |
| ۱۰ - فاضل مازندرانی | اسدالله | «اسرار الآثار» مؤسسه مطبوعات امری - طهران ۱۹۶۸ |
| ۱۱ - موقن | امان الله | «آثار و احوال بعضی از خوشنویسان بهائی» خوشه ها شماره ۱ - ۱۹۹۰ |
| ۱۲ - نبیل اعظم | محمد | «مطالع الانوار» ترجمه و تلخیص جناب عبدالحمد اشراق خاودی - طهران لجنة آثار امری ۱۱۷ |
| ۱۳ - حیدرعلی | حاج میرزا | «بهجت الصدور» تجدید طبع لاتکتهاین - آلمان - ۱۹۸۸ |

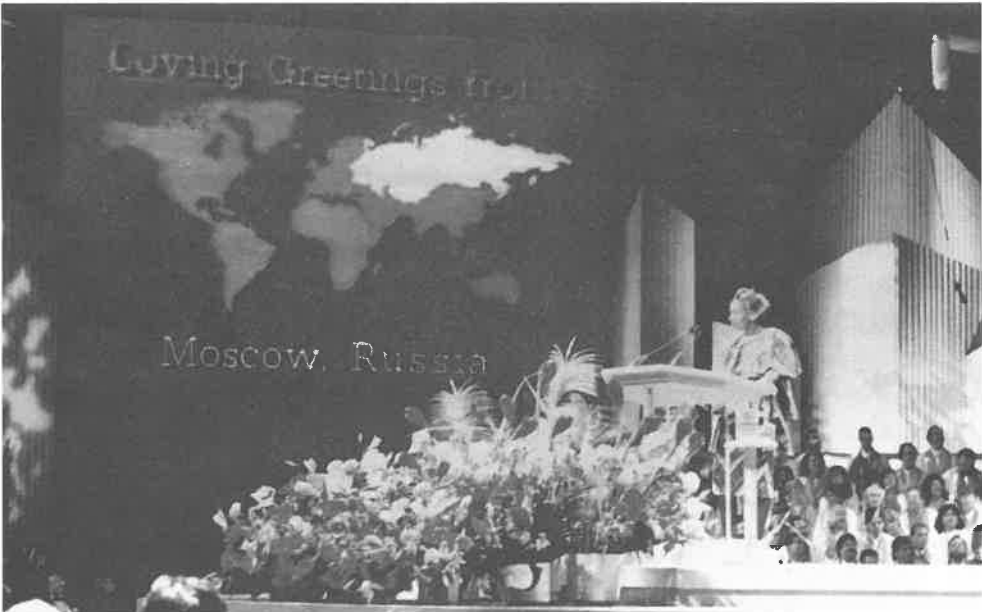
منابع بلسان عربی

- ۱ - البها «روح المخط العربی» - محتوی چند شاهکار مشکین قلم

Bibliography

- 1 - "Abdu'l - Baha . Memorials of the Faithful" Wilmette : Baha' i Publishing Trust, 1971 .
- 2 - Aidun , Gol. " Mishkin Qalam , The Great Calligrapher and Humorist." Unpublished paper delivered at the New England Regional Conference of the Association for Baha' i Studies. 1982.
- 3 - Balyuzi , H.M. Baha,u,Allah . King of Glory . Oxford : George Ronald , 1980.
- 4 - Browne , Edward Granville . A Year Amongst the Persians . London : Century Publishing , 1984.
- Materials for the Study of the Babi Religion. Cambridge : Cambridge Press , 1961 .
- A Traveller's Narrative written to illustrate the Episode of the Bab. New York : Baha'i Publishing Committee , 1930.
- 5 - Haydar "Ali, Haji Mirza" The Delight of Hearts. Translated and abridged by A. Q. Faizi . Los Angeles: Kalimat Press , 1980.
- 6 - Momen, Moojan. The Babi and Baha'i Religions 1844 - 1944 : Some Contemporary Accounts. Oxford: George Ronald , 1983.
- 7 - Nabil'i A'zam Mrhammad. The Dawn - Breakers : Nabil's Narrative of the Early Days of the Baha'i Revelation. Wilmette : Baha' i Publishing Trust , 1932 .

- 8 - Nakhjavani , Bahiyih Four on an Island . Oxford : George Ronald , 1983.
- 9 - Oeming Badiie, Julie and Heshmatollah Badiie." The Calligraphy of Mishkin Qalam "in The Journal of Baha'i Studies . Volume 3 (1991), Number 4 , pp. 1 - 22 .
- 10 - Schimmel , Anne - Marie . Calligraphy and Islamic Culture . New York : New York University Press. 1978 .
- Islamic Calligraphy . Leiden : E. J . Brill , 1970 .
- 11 - Islamic Calligraphy . The Metropolitan Museum of Art New York N . Y . U.S.A.
- Stevens, E. S. The Mountain of God . Mills and Boon , 1911 .
- 12 - Tahirzadeh , Adib.The Revelation of Baha 'u' llah , Volume I. Oxlord : George Ronald , 1975 .
- The Rvelation of Baha'u'llh , volume 11. Oxford : George Ronald , 1977 .
- 13 - Islamic Calligraphdr. y - Y.H. Safadi . London, 1980 ?
- 14 - Islamische Schönschrift Dr. Alexandra Raeuber - Zürich 1979.
- 15 - " Calligraphie arabe Vivante " الخط العربي Hassan - Massudi - Pares 1981.
- 16 - Islamic Calligraphy , Cincinnati Museum - U.S.A. 1990 ?
- 16 - Cligraphy , The Encyclopaedia of Islam , Lieden 1990 - 91
- 17 - Survey of Persian Art , Pope . M.S. A. & Japan .
- 18 - " Meshkin Galam" Dr. Vahid Rajati . Landegg 1993 .
- 19 - " Mathnavi'-i- Mubarak" Frankfurt M. 1993 .
- 20 - Islamische Brch kunst , Prof. Kühnel , Braunschweig . 1963 .



اینجا مسکو است ... یابہاء الابہی . لحظہ ارتباط کنگرہ نیویورک با اجتماع احباً در مسکو .